۱۲ روایتی نو از مدل‌های مو در تاریخ معاصر ایران
داستان زلف زیبا
ای درویش دمی بنشین تا پرتره‌ات را بکشم، چه گیسوان زیبایی داری
... آخر جناب موسیو! درویش را چه به این کار، بگذار پی کار خود برویم...

۱۰ نفیسی گفت مرد حسابی
این جا مردانه است بنویس
پیرایش رشیدی!

۱۱ وقف کوزه برای دل‌های شکسته کودکان | محمدجواد عرفان‌فر
۱۱ دم‌پختکی که در قحطی عظیم ایران پخته شد | آمنه ابراهیمی
۱۰ نه هر که سر بتراشد قلندری داند | حسین نوری‌نیا

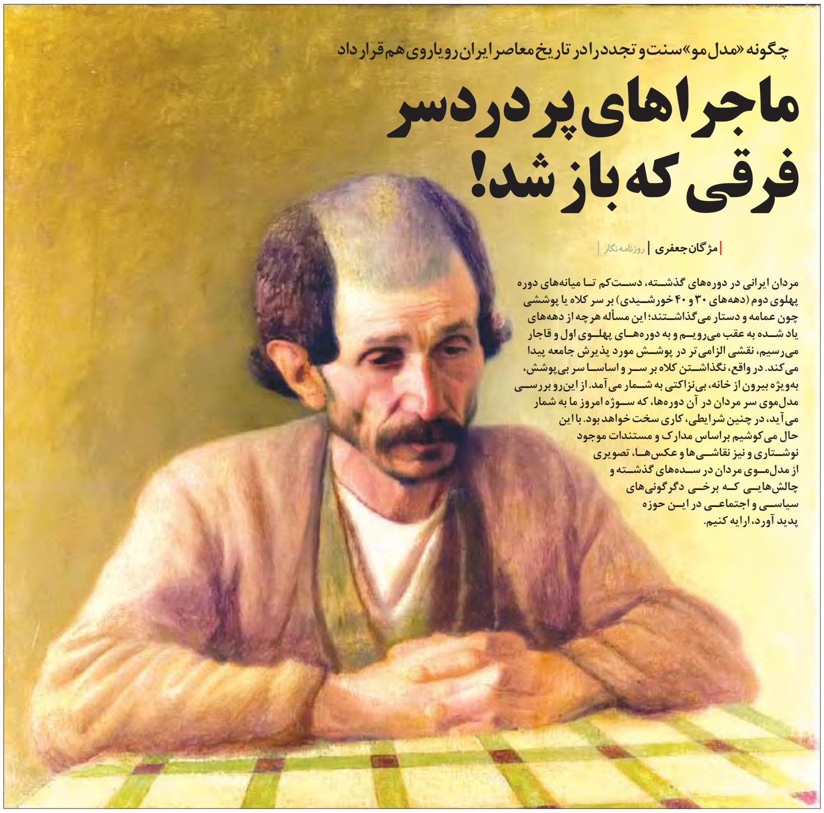

مش رضا! چرا سرت رو اینطور اصلاح کردی؟... آقا! همه اینطوری مو رو سلمونی می‌کنند، هم سرمون خنک می‌شه هم راحت وضو می‌گیریم/ تابلوی مش رضا، خدمتکار کمال‌الملک/ موجود در کتابخانه و موزه ملی ملک

چگونه «مدل‌مو» سنت و تجدد را در تاریخ معاصر ایران رویاروی هم قرار داد

ماجراهای پردردسر فرقی که باز شد!

مژگان جعفری | روزنامه‌نگار

مردان ایرانی در دوره‌های گذشته، دست‌کم تا میانه‌های دوره پهلوی دوم (دهه‌های ۳۰ و ۴۰ خورشیدی) بر سر کلاه یا پوششی چون عمامه و دستار می‌گذاشتند؛ این مسأله هرچه از دهه‌های یاد شده به عقب می‌رویم و به دوره‌های پهلوی اول و قاجار می‌رسیم، نقشی الزامی‌تر در پوشش مورد پذیرش جامعه پیدا می‌کند. در واقع، نگذاشتن کلاه بر سر و اساسا سر بی‌پوشش، به‌ویژه بیرون از خانه، بی‌نزاکتی به شمار می‌آمد. از این‌رو بررسی مدل‌موی سر مردان در آن دوره‌ها، که سوژه امروز ما به شمار می‌آید، در چنین شرایطی، کاری سخت خواهد بود. با این حال می‌کوشیم براساس مدارک و مستندات موجود نوشتاری و نیز نقاشی‌ها و عکس‌ها، تصویری از مدل‌موی مردان در سده‌های گذشته و چالش‌هایی که برخی دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی در این حوزه پدید آورد، ارایه کنیم.

تراشیدن مو؛ لذتی که فراموش نمی‌شود!

نخستین مدل‌های موی مردانه در دوره قاجار که از روی منابع نوشتاری و نقاشی‌ها، نگارگری‌ها و عکس‌ها با آنها آشنا می‌شویم، در چند دسته ساده، مشخص بودند. گروه کهنسالان به‌ویژه آن بخش سنتی‌تر جامعه، موهای سر خود را می‌تراشیدند، چون براساس روایت‌هایی نه چندان معتبر اعتقادی، بر آن بودند که تراشیدن مو از بن، لذتی دارد که فراموش نمی‌شود. رعایت نظافت مورد تأکید در دین و نیز انجام برخی واجبات دینی همچون گرفتن وضو برای نمازگزاردن، از مهم‌ترین انگیزه‌هایی بود که این گروه‌های جامعه را بر پیش‌گرفتن چنین رویه‌ای وامی‌داشت. این سرتراشی‌ها در حمام انجام می‌گرفت.

میانسالان و جوانان به‌ویژه در برخی طبقات و اصناف جامعه مانند درویش‌ها و داش‌مشدی‌ها، اما به مدل‌هایی از موی سر گرایش داشتند که هر یک برگرفته از یک نگاه عرفی، صنفی یا اعتقادی بود. در هر دو بخش، تراشیدن بخش‌هایی از سر به‌ویژه موهای روی پیشانی، از نگاه اعتقادی جامعه، اهمیتی فراوان داشت. البته در این میانه روایت‌هایی هم وجود دارد که بی‌علاقگی جامعه را به اصلاح موی‌سر و نیز مدل‌های آن نشان می‌دهد.

جعفر شهری پژوهشگر تهران قدیم دراین‌باره می‌نویسد «شغل سلمانی‌گری یا (دلاکی)‌گری که نام دیگر آن بود مشتری و بهره چندانی نداشت که بتواند معاش شاغل آن را تأمین کند چه مردم چندان توجهی به نظافت و اصلاح سر و روی خود نداشتند و اصلاح و کوتاه کردن موی سر و ریش‌شان بسته به آن بود که مسائل و اوقاتی مانند عید، عروسی، جشن و سروری در پیش بوده باشد و آن نیز نمی‌توانست در طول سال از دو، سه بار تجاوز کند مانند عید غدیر، عید فطر، عید نوروز و احیانا مجالس سور و سروری که پیش بیاید ...».

بهره‌گیری از کلاه، دستار، عمامه و اصلا پوشش از هر جنسی برای پوشاندن سر موجب می‌شد موی سر و مدل آن موضوع چندان مهمی برای جامعه ایران پیش از دوره قاجار و نیز در سال‌های آغازین و میانی این حکومت به شمار نیاید. هرچند از همان مدل‌های موجود می‌شد دسته‌بندی طیف‌ها و طبقه‌های جامعه را از یکدیگر تشخیص داد.

مدل موی احمدشاهی؛ آغاز تغییرات

در سال‌های پایانی دوره قاجار، مشخصا از دوره سلطنت احمد شاه و سپس با آغاز دوره پهلوی اول، تغییراتی گسترده در پوشش مردان پدید آمد. در همین دوران بود که آرام‌آرام فرم تراشیدن موی‌سر و جلوی سر منسوخ شد. در عکس‌هایی هم که مربوط به رجال و مردم آن دوره در آرشیوها موجود است، چنین تغییری را می‌توان به تماشا نشست. بدین‌گونه، زلف مردان رو به بالا رفت و موی فرق‌سر به دو سمت چپ و راست باز شد. به روایت منابع، برخی از مردم تهران، از فرم سر و مدل موی احمد شاه قاجار الگو گرفتند. در معدود عکس‌های بدون کلاه و تاج به جای‌مانده از آخرین حکمران قاجار بر ایران، می‌توان فرم کوتاه کردن موی سر او را دید؛ مویی ساده و اصلاح شده به گونه‌ای که موها تقریبا در همه جای سر به گونه یک‌دست و گرد، کوتاه و اصلاح شده‌اند. رسیدگی بیشتر به موها و نیز رواج مدل‌های تازه، با آغاز حکومت پهلوی اول گسترشی شتابان یافت. اصلاح طبیعی، اصلاح سربالا، فرق بازکرده (آلامد)، آلبوروس، آلمانی، برخی مدل‌های صنفی من‌درآوردی مانند اصلاح داشی و آلاگارسون از مدل‌هایی بودند که با ورود مظاهر تجدد به ایران به‌ویژه پیدایش سلمانی‌های جدید در این دوره، رواج یافتند. هرچند هنوز ایستادگی‌هایی از سوی بخش‌هایی از جامعه در برابر مدل‌های تازه، با پایبندی به فرم‌های قدیم و سنتی صورت می‌گرفت.

جعفر شهری این دگرگونی‌ها را اینچنین روایت می‌کند «با آمدن رژیم جدید و تغییر فرم لباس و اصلاح سر و سبیل این دگرگونی‌ها در دکاکین سلمانی (منظور رعایت بهداشت و نظافت و مشتری‌مداری و ...) که این روزها به (مغازه) تغییر نام یافته بود به‌وجود آمد، ازجمله نسخ تراشیدن سر و جلو سر و تبدیل به زلف‌های بلند بالا زده و فرق باز کرده... با تغییر فرم البسه مردان از قبا و عبا و کلاه نمدی به کت و شلوار و کلاه مقوایی و کلاه پهلوی فرم اصلاح‌های سر و صورت نیز تغییر یافته سرها تمام زلف و پشت گردن‌ها (طبیعی) و پیش‌قلمی (خط ریش)‌ها کوتاه و سبیل‌ها کوچک شده، توالت بعد از اصلاح نیز مرسوم شده، از این قرار که بعد از تراشیدن صورت و شستن آن اول ادکلن و سپس کرم و بعد از آن پودر و سرهایشان را تا موهایشان مرتب ایستاده به حالت خویش بمانند (پماد) که روغن گریس مانند بود، بزنند».

مدل‌های سنتی و متجدد مو به روایت جعفر شهری

جعفر شهری در دو کتاب «تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم» و «طهران قدیم»، به تفصیل درباره مدل‌های موی سر مردان در دوره‌های قاجار و پهلوی اول سخن رانده است. برخی از این مدل‌ها برای آشنایی با جزییات آنها معرفی می‌شوند.

مدل‌های سنتی و قدیمی

تراشیدن همه موی سر

پاشنه‌بخواب / در جلو سری به اندازه یک کف دست تراشیده و موی زیاد در اطراف و پیش‌قلمی‌های (خط ریش) پر و پس گردن تراشیده.

حیدری/ تراشیدن از پیشانی تا پس‌گردن به پهنای چهار انگشت و بلند گذاردن موهای روی گوش.

صفدری/ تراش تمام گردی سر و تراشیدن پشت گردن و بلند گذاردن موهای اطراف.

علی‌اکبری/ تراشیدن تمام سر به‌غیر از فرق‌سر و بلند و دسته‌ای گذاردن موی آن که برخی آن را بافته از طرف عقب چپ کلاه بیرون می‌گذاشتند.

دم‌اردکی/ جلو و پشت گردن تراشیده و بالا زدن موهای اطراف به طرف کلاه.

گیسو/ ویژه دراویش هم که موهای بلند داشتند و (گیسو) نام کرده، بعضی افشان و بعضی بافته و روی شانه‌ها انداخته فرق آن را از وسط باز می‌کردند.

قلندران/ که سر، ریش و سبیل را یکجا می‌تراشیدند.

نکته مهم در همه این مدل‌ها، تراشیدن جلو سر در هر نوع سر و زلف از آن بود که جای (مسح) وضو معلوم باشد، در غیر آن صورت صاحب سر بی‌نماز و تارک‌الصلات به حساب آمده موجودی بود که با هر قدمش‌هزار ملائکه نفرینش می‌کنند.

مدل‌های جدید

طبیعی/ پیش‌قلمی را از استخوان شقیقه خط انداخته، زلف را به‌طور اندازه کوتاه کرده پشت سر را طبیعی می‌کردند یا بالا زده یا فرق باز می‌کردند.

سر بالا/ موی بلند که از جلو به عقب شانه خورده با روغن واداشته می‌شد.

آلامد/ باز کردن فرق از طرف چپ و شانه‌زدن طرفین به روی گوش‌ها و طرف فرق با دستور مشتری که «فرق باز می‌کنم».

آلبوروس/ با اطراف کوتاه‌شده طبیعی نموده و بالایی کوتاه و جلوی تا دو، سه انگشت بلند که به طرف سر کوتاه شده صاف و یکنواخت و تخته‌گون می‌نمود.

آلمانی/ با اطراف کاملا کوتاه نموده سفید کرده که تا زیر لاله‌های گوش با ماشین ته‌زن شده از آن به بعد به تدریج بلند طبیعی شده جلویش مانند آلبوروس و کمی کوتاه‌تر شکل می‌گرفت.

آلاگارسون/ فرقی که سر را از اطراف شانه کرده زیادی آن را از زیر لاله گوش زده و صاف کرده پشت کردن را می‌تراشیدند و جلوی آن را از پیشانی یک ور می‌زدند.

من‌درآوردی/ داش‌ها و یکه‌بزن‌های نامی هر یک برای سر و وضع خود مدی ابداع می‌کردند که به نام خودشان معروف می‌شد. مثلا سر طیبی (یکی از میدانی‌ها) یا کفش قدمی (قدم) اسم یکی از داش‌های باغ فردوس مولوی.

روزگار نو

مدل موی مردان؛ درنگی بر یک موضوع پیچیده

مهدی یساولی | دبیر روایت نو

این که «مدل‌مو» در دوره‌های گذشته تاریخ کشوری همچون ایران، به حوزه تاریخ اجتماعی چه ارتباطی دارد، شاید در نگاه نخست، تشکیکی جدی به شمار آید. چه اهمیتی دارد بدانیم ایرانیان در دوره‌های صفوی یا قاجار حتی پهلوی اول، موهایشان را چه مدلی می‌زدند؟ آگاهی از این مسأله، چه گره‌هایی از تاریخ و زندگی امروز ما می‌گشاید؟ آیا اساسا پرداختن به این‌گونه مسائل، وظیفه تاریخ‌پژوه است؟ شاید گفته آید که این‌گونه موضوعات در حوزه پژوهش‌های تاریخی جای نمی‌گیرد و در دایره فعالیت‌های رسانه‌ای هم در قالب «مطبوعات زرد» می‌نشیند؛ از همین‌رو تاریخ‌پژوهان، حتی برای طرح موضوعات تاریخی در رسانه‌ها اصلا نباید به مقوله‌هایی اینچنین بپردازند و باید بر تحقیقات «مهم» و «جدی» متمرکز شوند.

بررسی شیوه زندگی انسان‌ها در دوره‌های گذشته و مطالعه آنها در جزیی‌ترین بخش‌ها و زاویه‌ها اما دقیقا وظیفه تاریخ‌نگار و تاریخ‌پژوه است. تاریخ، تنها سرگذشت پادشاهان و حکمرانان، جنگ‌ها، مبادلات بازرگانی و اساسا «اوضاع سیاسی، نظامی و اقتصادی» یک کشور نیست؛ تاریخ‌نگاری امروز، بر زندگی اجتماعی مردم در هر دوره استوار است. این که «مدل‌مو»ی مردان و زنان در فلان دوره تاریخی چگونه بوده، مردم چگونه «لباس» می‌پوشیدند، «آیین»ها و «مناسبات» اجتماعی‌شان بر چه اساس شکل می‌گرفت، بررسی همه اینها نکته‌هایی را به تاریخ‌پژوه وامی‌گذارد که براساس آن یافته‌ها، می‌تواند تداوم یا انقطاع فرهنگی و اجتماعی یک جامعه را تصویر کند. موضوعاتی اینچنین، اساس تاریخ‌نگاری اجتماعی را شکل می‌دهند. برخلاف بسیاری برداشت‌ها از تاریخ، به تعبیر محمدعلی فروغی «ذکاءالملک» در سال ۱۳۱۵ خورشیدی، «تصور نفرمایید که این قصه‌ها خارج از موضوع است، اینها تاریخ است و تاریخ مفید همین است. البته می‌دانید که امروز در تعلیم تاریخ بیشتر نظر دارند به چگونگی احوال و اخلاق و آداب و رسوم مردم و تفاوت‌هایی که به مرور زمان می‌کند و به جنگ و به صلح و شرح زندگانی رجال کمتر اهمیت می‌دهند...». پژوهش درباره «مدل‌مو» در تاریخ چند سده اخیر ایران نیز در همین قالب می‌گنجد. موی آدم‌ها، دست‌کم در تاریخ ایران، دقیقا نشان‌دهنده جلوه‌هایی از شیوه زندگی، عقاید مذهبی، دسته‌بندی‌های طبقات و اصناف، مرام و منش فردی و اجتماعی، حتی چگونگی رویارو شدن با دگرگونی‌های بزرگ جهانی است. مدل‌مو و این همه تأثیرپذیری از جامعه و تأثیرگذاری بر آن؟ هنگامی که موضوع را موشکافانه می‌نگریم، می‌توانیم به این پرسش همراه با شگفتی، پاسخ قاطع مثبت دهیم. با چند مثال می‌توان موضوع را واشکافت. یکی از مدل‌های موی رایج در دوره قاجار، «حیدری» نام داشته است. این مدل موی حیدری، دقیقا براساس پیشینه ذهنی کشاکش‌های مشهور «حیدری-نعمتی» در روایات و حکایات اختلافات فرقه‌ای در ایران نام گرفته است. در دوره‌ای، همه مردان اگر سرشان را کامل نمی‌تراشیدند، باید موی جلوی سر، روی پیشانی را، حتی برای حفظ ظاهر هم شده، حتما می‌زدند وگرنه این مسأله، «بی‌نمازی» و «تارک‌الصلاتی» آنان را می‌رساند. زمانی که نفس‌های حکومت قاجار به شماره افتاد و صدای کفش‌های آهنین سردار سپه (رضاشاه بعدی) گوش‌های تجددخواهان را نواخت، جامعه ایران از نظر اجتماعی، به سویی دیگر رونهاد. مدل‌مو نیز از این دگرگونی‌ها برکنار نبود. در همین دوره زلف‌ها پیراسته شد و رو به بالا رفت، فرق‌ها باز شد و مدل‌هایی تازه رخ نمایاند. زلف داشتن، به این معنا که موها به گونه‌ای اصلاح شود تا مرتب و رو به بالا شانه شده باشد، در اواخر قاجار و نیز اوایل پهلوی اول، شایسته توهین و ناسزای بخش‌هایی از جامعه می‌شد که در برابر ورود مظاهر تمدن جدید به ایران ایستادگی می‌کردند و این رویارویی را در مخالفت با آن مدل‌های مو که نمادی از فرنگ تلقی می‌شد، متبلور می‌ساختند. در همین دوره بود که مدل‌موی آلمانی در ایران رواج یافت. همزمانی این مسأله با تحولات سیاسی اروپا، سربرآوردن آلمان در برابر قدرت‌های سنتی دنیای آن روزگار، یعنی امپراتوری‌های بریتانیا و روسیه، برای مردمان «ایران»ی که دهه‌های پیاپی زیر نفوذ ویرانگر استعماری‌شان قرار گرفته بود و آلمان جدید قدرتمند را فرصتی برای رهایی از ستم آن دو امپراتوری می‌دید و دستاوردهای آن را می‌ستود، می‌تواند امروز برای ما معنادار باشد. اصلا، فرق موی سر مردان در همین دوره بود که به‌عنوان نمادی از تجدد، باز شد. واژگانی تازه‌وارد به فرهنگ ایران، چون آلاگارسون و آلامد از همین مدل‌های جدید مو برگرفته شد. از این دست نمونه‌ها درباره ارتباط مدل‌مو و شیوه زندگی اجتماعی در سده‌های گذشته، بسیار می‌توان سراغ گرفت. «مدل مو» به‌عنوان سوژه پرونده امروز، دقیقا بر همین اساس برگزیده شده است. البته با این توضیح که «مدل مو»ی مردان بررسی و مطالعه شده است. می‌خواهیم ببینیم مردان ایرانی، در دوره‌های قاجار و پهلوی اول، با چه دیدگاه‌هایی مدل موی خود را برمی‌گزیدند یا حتی به گرایش به مدلی ویژه وادار می‌شدند. منابع نوشتاری فراوانی برای بررسی این موضوع وجود ندارد. تنها در برخی مقالات و نیز تاریخ‌های محلی به‌ویژه تاریخ تهران به این موضوع اشارت‌هایی رفته است. البته به موضوع شغل «سلمانی» در دوره‌های مورد نظر تاریخی اشاره‌هایی گوناگون آمده اما درباره موضوع مورد علاقه ما یعنی مدل‌مو، کم نوشته شده است. می‌کوشیم در این پرونده، با بررسی همان مستندات کم، به نکته‌هایی تازه از دریچه مطالعات تاریخ اجتماعی دست‌یابیم.

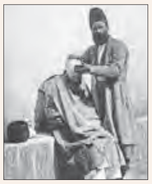

نجوای نو

فقط همان یک مدل!

حمید شاکری | پژوهشگر جامعه‌شناسی

عصر یک روز میان هفته، هنگامی که خسته از کار روزانه در شلوغی وصف‌ناپذیری سوار بر مترو به سوی منزل رهسپار بودم، نوازش «زلف»های پریشان جوانی «امروزی!» و لابد همگام با «مد!» صورتم را به شدت نواخت. حالا مدل مویش «تیفوسی» بود یا «قارچی» یا «آلمانی» مهم نیست، مهم اظهار وجود آن جوان و جوانانی چون او است که در پی بغض‌های فروخفته اجتماعی از حداقل مجال‌ها برای جولان و خودنمایی استفاده می‌کنند! نمی‌دانم باید دلمان به‌حال آنان بسوزد یا خودمان یا هردو! راستی گفتم «آلمانی» چندی پیش درباره «اشاعه‌فرهنگی» مطلبی می‌خواندم به تاریخچه مدل موی آلمانی برخوردم که چرا این مدل مو به آلمانی معروف شده است. در جنگ جهانی دوم یکی از بزرگترین چالش‌های علمی رخ داد و بیش از ۴ هزار وسیله جنگ‌افزاری اختراع و تولید شد. آلمان‌های نازی به غیر از انتقال دانش خود به نسل بعدی، سعی کردند فرهنگ‌شان را نیز به دیگر کشورها تزریق کنند تا بعد از جنگ، با تزریق فرهنگی جدید، مردم دیگر ممالک را به‌سمت ارتش نازی بکشانند! موضوع مدل مو آلمانی نیز دقیقا یکی از همین فرهنگ‌های تزریقی است که پس از سال‌ها وارد دیگر کشورها از جمله ایران شد. بد نیست حال که سخن بدین‌جا رسید، به تاریخچه مدل مو در ایران هم اشاره‌ای داشته باشیم. مدل مو و آرایشگری در ایران نیز دارای سابقه تاریخی است. پیش از سلطنت قاجار بر این مملکت، گفته می‌شد آرایشگران که در قدیم با نام سلمانی مطرح بودند، جدا از کوتاه کردن موی سر، به درمان بیماران هم می‌پرداختند. به زبان ساده‌تر یک سلمانی کسی بود که چند کار مهم از دستش برمی‌آمد. مثلا می‌توانست دندان بیماران را بکشد، به آنها جوشانده‌های گیاهی برای امراض‌شان معرفی کند و قلنج بیماران را بگیرد! آنها با ابزاری ابتدایی در کوچه و خیابان‌ها راه می‌افتادند و سر مردم را می‌تراشیدند. فقط یک مدل وجود داشت؛ این که موها را از پشت تا خط گردن و از کناره‌ها تا بالای گوش کوتاه کنند. آن یک مدل اما در روزگاران بعد، به مدل‌هایی متفاوت بدل شد. گذشت و گذشت تا به امروز رسید. در این طی طریق چه بر سر موهای مردان که نیامد! اما مسأله مهم آن که هیچ‌گاه مدلی از مو به‌نام «ایرانی» همچون مدل آلمانی، به‌دست نیامد. این که چرا نشد، پاسخ‌هایی گوناگون می‌تواند داشته باشد.